



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن : ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۴ شنبه ۲۱ دیماه ۱۳۲۷

وزیر: سید محمد ششمی

سال چهارم - شماره ۱۱۳۸

صفحه ۲۸۸۵

قانونگذاری دوره پانزدهم

شماره مسلسل ۱۶۶۱

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح مذاکرات صد و سی و دومین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۸
- ۴ - آگهی های رسمی ۶

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۴۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه بیست و یکم دیماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب :

- ۱ - قرائت صورت مجلس.
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: صدرزاده - مهندس رضوی - دکتر اعتبار - دکتر راجی - امامقانی - سزاوار
- ۳ - بقیه سؤال آقای حائری زاده از آقای نخست وزیر.
- ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه.

مجلس يك ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

۱ - قرائت صورت مجلس

صورت مجلس جلسه قبل را آقای صدرزاده (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند :

یکساعت بظهر روزیکشنبه نوزدهم دیماه مجلس ریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه قرائت شد .

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است .

غائبین با اجازه - آقایان : ملک مدنی - حسن اکبر - یالیزی - سلطانی - رحیمیان - اورنگ - دکتر معظمی - گرگانی - اقبال - فرامرزی - رضوی - قهرمان - شریف زاده .

غائبین بی اجازه - آقایان : محمد حسین فشقائی - بیات - آشتیانی زاده - تولیت - کامل ما کوئی - اخوان منصف - ابوالقاسم بهجانی - امیر تیمور - قوامی - آصف ناصری - بهار - بدین اسفندیاری - حسن مکرّم - حاج

امین - صفا امامی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : عامری - زنگنه - معتد دماوندی - نراقی - محمدعلی مسعودی - سزاوار - تابتی - دهقان - شهاب خسروانی - خوئیلر - هراتی - نیک بی - صاحب دیوانی - بانامقلیج .

آقای مهندس رضوی راجع بوضع برده فروشی و آقای دکتر اعتبار راجع بخرم جلسه بعنوان تنفس تذکری دادند و صورت مجلس تصویب شد .

آقای دکتر عبده اظهار داشتند مطالبی راجع بسازمان ملل که بنمایندگی ایران در آن عضویت داشته اند برض مجلس می رسانند از اینقرار که مجمع عمومی سازمان ملل بهشش کمیسیون تقسیم میشود و

دستور کار سازمان ملل در این کمیسیونها مورد شور قرار میگردد و ایشان در کمیسیون ششم یعنی کمیسیون حقوقی بنمایندگی ایران حضور داشته اند و معتقدند که هیئت نمایندگی ایران لافل باید هفت نفر باشد و اینکه گفته شده است یک نفر کافی است چنین نیست همچنین اگر تصور کنیم که باوجود سازمان ملل امنیت مملکت ما محفوظ است اشتباه است ولی اگر بدول ضعیف ظلمی شود از گرسی بین المللی که در سازمان دارند استفاده خواهند کرد چنانکه مجمع عمومی هم در کارهای سیاسی موفقیت کامل پیدا نکرده ولی افکار عمومی جهانی بطورکافی درسروش ملل مؤثر است و سازمان ملل در قسمت امور اجتماعی اعلامیه حقوق بشر را که اکنون در شتون بین المللی قرار داده شده است و درصالح عمومی دنیا مؤثر می باشد صادر کرد ولی در کشور ما تا وقتیکه تفاوت طبقاتی تا این اندازه موجود باشد روح اجتماعی در ملت ما بوجود نیاید و اگر در این موضوع کاری نکنیم موجودیت ملت و مملکت ایران در خطر است سپس در باب مذاکرات آقای مهندس رضوی نسبت بخرم خودشان توضیحاتی دادند و اوراق کارهایی که در مجمع عمومی سازمان ملل انجام داده اند در اختیار آقایان قرار دادند و عطف بامور اجتماعی جهان گفتند که ملتها از لحاظ جغرافیائی و مصالح مشترک باهم متحد هستند چنانکه بین افغانستان و ترکیه و ایران هم همکاریهایی بوده ولی جنبه رسمی نداشته است و علت عدم موفقیت ما در کارهای بین المللی آنست که متزوی هستیم در

حالی که باید بین او و همسایگان همکاری و تشریک مساعی بیشتری وجود داشته باشد.

در این موقع با موافقت آقای حائری زاده بودجه وزارت جنگ قبل از طرح سؤال و بیان بقیه مطالب ایشان مطرح گردید و پیشنهاد آقای مهندس رضوی در کسر شش میلیون تومان از بودجه وزارت جنگ تصویب نشد.

آقایان نبوی و مسعود ثابتی پیشنهاد نمودند که قسمت احتیاجات ارتش مورد رأی قرار گیرد و قسمت دوم با پیشنهادها بکمیسیون ارجاع شود و در اطراف آن آقای نبوی توضیحاتی دادند.

آقای حائری زاده پیشنهاد نمودند ماده واحده از تبصره تفکیک شود.

آقای وزیر جنگ توضیحاتی دادند که دولت اعتبار این لایحه مربوط به تعمیر کارخانجات اسلحه سازی است و موضوع خرید مشتک را موافقت کند بکمیسیون احواله شود و پیشنهاد آقای نبوی تصویب شد.

آقای اردلان پیشنهاد کردند که ما به التفاوت لایحه پیشنهادی با بودجه وزارت جنگ معلوم و تصویب شود.

آقای وزیر دارائی گفتند ما به التفاوت دوست و سی و چهار میلیون و پانصد هزار ریال است.

آقای مهندس رضوی پیشنهاد نمودند که ۳ میلیون تومان صرف تعمیر کارخانجات اسلحه سازی شود و توضیحات مبسوطی نیز دادند.

آقای کشاورز صدر در اطراف آن اظهار نظر نموده گفتند وزارت جنگ یک میلیون و نیم لیره اعتبار میخواهد و پیشنهاد آقای مهندس رضوی ۳ میلیون تومان است و قابل استفاده نخواهد بود به پیشنهاد آقای مهندس رضوی اخذ رأی بعمل آمد و تصویب نشد.

آقای مهندس خسرو هدایت پیشنهاد کردند که وزارت جنگ مکلف است ما محتاج افراد را از کفن و لباس از محصول داخلی کشور تهیه کند و آقای وزیر جنگ این پیشنهاد را قبول کردند و بماده اول توضیحی که وزیر دارائی داد و پیشنهادی که وزیر جنگ قبول کرد یا وره اخذ رأی بعمل آمد از ۸۸ نفر عده حاضر با اکثریت ۱۸ رأی تصویب گردید.

آقای وزیر جنگ با ابراز تشکر تقاضا نمودند کمیسیون زود تر برای مطالعه و تصویب بقیه لایحه تشکیل شود.

آقای حائری زاده در تعقیب بیانات جلسه پیش گفتند دستگاه حکومت ماصورت و معنائی دارد که فقط صورت آن حکومت میکند و چنین حکومتی در هیچ جای عالم نیست.

• دقیقه بمداز ظهر چون عده برای مذاکره کافی نبود جلسه ختم و بر روز ۳ شنبه مجعول دستور بقیه سؤال آقای حائری زاده و طرح مربوط با مالیات بردر آمد مقرر گردید.

رئیس - نسبت بصورت مجلس جلسه پیش نظری نیست؟ صورت مجلس بعداً تصویب میشود چون عده حالا کافی نیست چند نفر از آقایان یعنی دوسه نفر تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند.

بعضی از نمایندگان - دستور دستور.

صدر زاده - اجازه بفرمائید بنده پیش از ده دقیقه مزاحم آقایان نیستم یعنی می کنم موافقت

بفرمائید آقایان پنج دقیقه بنده بیشتر عرض ندارم.

رئیس - باید رأی گرفته شود و عده کافی نیست برای رأی - آقای صدر زاده بفرمائید.

۳- بیانات قبل از دستور آقایان صدر زاده مهندس رضوی - دکتر اعتبار - دکتر راجی - مامقانی - سزاوار

صدر زاده - آخر آقایان یک تلگرافاتی از شهرستانها برای نمایندگان میرسد که ما باید با اطلاع مجلس برسانیم افلا مجال و فرصت باید بداداده شود که این وظیفه مان را نسبت بحوزه انتخابیه خودمان بعرض مجلس شورای ملی برسانیم بنده می خواهم از این فرصتی که ببند داده شده خاطر محترم نمایندگان مجلس و دولت را بچند موضوع متوجه سازم.

یکی از آن موضوعات مسئله انجمن شهر تهران است و شاید بعضی آقایان تصور کنند که در میان این همه موضوعات مهم چقدر این وقت مسئله انجمن شهر تهران را بیان می کنم ولی اگر اندکی دقت و حوصله فرمائید بمنظور اصلی و اساسی بنده می خواهم برد ظاهر آ چند سال است که پایتخت کشور ما انجمن شهر ندارد در صورتیکه اصل مشروطیت و حکومت دمکراسی اقتضا دارد که مردم بوسیله نمایندگان که انتخاب می کنند در کارها و مصالح و امور اجتماعی خود مداخله و نظر داشته باشند و من متحیرم که چرا دولت ها از اینکه مردم را در امور مافع خود مداخله دهند تا این اندازه امساک میکنند وقتی که دولتها در پایتخت کشور از انجام یک چنین وظیفه ای که تماس با حقوق یک میلیون سکنه پایتخت و میلیونها در آمد و هزینه دارد خود ماری می کنند چگونه توقع داشته باشیم که همین دولتها مردم بخش و شهر تانهای کوچک و دور افتاده از مرکز را در امور خود مداخله دهند؟ بنده بر روی همین نظر در دولت جناب آقای حکیمی سؤال نمودم و در دولت جناب آقای هژیر این سؤال را تکرار کردم و گفتم چرا مردم پایتخت را از این حق قانونی محروم داشته اند ولی متأسفانه جوابی ندادند اینست بدولت جناب آقای ساعد یادآوری و عرض می کنم امروز همه مردم ایران نگران انتخابات آتی مملکت هستند و از حالا در جرایم کشور از این موضوع بحث و گفتگو میشود و همه مردم خیر خواه و آردی طلب میخوانند که انتخابات پارلمانی بوجهی صحیح و آرد و دور از هر گونه اعمال نفوذ و تهدید و تطبیح انجام پذیرد و از خود میبرسند که آیا دولت جناب آقای ساعد قادر بر انجام چنین مهمی است یا نه؟ من شخصاً بحسن نیت و درستی جناب آقای ساعد کمال اطمینان را دارم (صحیح است) ولی قدرت و توانائی خود را هم نمیتواند بطور نمونه و امتحان در انتخابات خرمشهر شده و در دولت جناب آقای هژیر مذاکره آن در مجلس بدان آمد و از آن گفتگوها شد و با ازماء آقای لطفی و تعقیب قضیه تا حدی افکار تسکین یافت و همه بانظرات نتیجه رسیدگی بودند اخیراً شنیده میشود که برای از بین بردن دلایل از تکاب با مأمور اعزامی مزاحمت هائی شده و حتی بعضی از پروندهها را رد کرده اند - من که سابقان دراز بناسبت غفل و کالت با دادگستری سروکار داشته ام این قضیه دوم را برانگیزم مهمتر از اول میدانم اگر جرم اول تخلف یک نفر یا چند نفر از قانون است جرم دوم اختلال و تجری نسبت بدستگاه قضائی است که میبایست آن جرم و هزاران جرمهای دیگر

را کشف و تعقیب کند و من با کمال بی صبری انتظار دارم که دولت جناب آقای ساعد تمام نیروی معنوی و قانونی خود را نسبت به تعقیب مرتکبین و تقویت دستگاه قضائی بکار برد و جریانات فساد را با تمام آنجا که ممکن است در مجلس بیان کند (صحیح است استحضار) استندهای دیگر بنده این است که جناب آقای مهندس رضوی همکار محترم بنده بر خصمی میروند و عیارم کرمان هستند و میخواهند چند دقیقه از آقایان محترم تودیع بکنند و بیاناتی بکنند از آقایان استحضار میکنم که چند دقیقه هم بایشان فرصت بدهم که مثل بنده عرایضشان را بطور اختصار بیان کنند.

رئیس - بسیار خوب آقایان پنج دقیقه بشما وقت میدهم.

مهندس رضوی پنج دقیقه آقا بنده صبح آمدم نوشته ام امروز هم نوشته ام آقای صدر زاده بود آقای حاظقی و بنده (حاظقی - من میخواستم مخالفت با نطق قبیل دستور بکنم ولی چون نوبت جنابعالی است صرف نظر میکنم) از جنابعالی خیلی تشکر میکنم و همچنین از جناب آقای صدر زاده و جناب آقای رئیس تشکر میکنم که اجازه فرمودند بنده فقط بطور مختصر چند دقیقه عرایض دارم چون اینجناب با اتفاق همکار محترم آقای دکتر بقائر با اجازه مجلس عازم بودیم که بعنوان مرخصی قانونی چند هفته ای در کرمان و حوزه انتخابی طبیعی یا غیر طبیعی خودمان بگذرانیم (حاظقی - انشاءالله طبیعی است) بنده خواستم ابتدا از حضور آقایان نمایندگان محترم نسبت ببعیبت و مرحمت هائی که در تمام این یکسال و نیم گذشته نسبت به فرموده اند تشکر بکنم و بعد چند موضوع که بنظر خودم لازم است لازم بتذکر بود و حتی یکی دو قسمت برای بنده طبقه وجدانی ایجاد شده است با اجازه نمایندگان محترم در ظرف چند دقیقه توضیح عرض کنم ، موضوع اول مربوط است بآنچه راجع بقصر بی اندازه قسمتی از مردم که بنده عرض کردم برای توجه مطلب و توضیح امر نه برای جلب احساسات بلکه برای جلب نظر و کمک دولت از نظر قانون عرض کردم که مردم قسمتی از این مملکت در نتیجه فشار اقتصادی گاهی افراد خانواده خودشان را که با آنها البته محبت پدر و مادری دارند آنها را بدست افرادی - میسارند برای کار کردن و در حقیقت آنها را میفروشند اما هیچ ارتباطی با برده فروشی بمعنائی که در تاریخ صد ساله اخیر دنیا مسطور است ندارد (صحیح است) و میخواهم حضور مبارک آقایان هم عرض کنم که دول بزرگ دنیا امروز دیگر بیهانه های برده فروشی و جنگ تریاک و غیره بجان ممالک ضعیف نخواهند افتاد و خوبخانه با وسایل علمی که دارند احتیاجی باین بیهانه ندارند امروز نفوذها جنبه اقتصادی پیدا کرده و هر کسویکه بتواند از استقلال و تمامیت خودش بجزو نیاید یا بکند و ایران هم هیچ کشور بزرگ و کوچک جهان نخواهد توانست در امر او مداخله کند (صحیح است)

و از این جهت خواستم مخصوصاً راجع هر گونه سوء تفاهم بشود و معذکات چون یک نفر آموزگار از شیراز بمن یک تگندی نوشته و من اجازه ندارم کاسم اور بگیرم ولی بهمکاران محترم ابراز عرض میکنم

بدانند که این آموزگار بانام و نشان بن مراجعه کرده و درس خریداری بچه های خودش را از من خواسته و نوشته است که من چون حقوقم از صدویستجاه تومان کمتر است و بیش از چهار نفر اولاد و چند نفر بستگان دیگر هم دارم و باید بآنها نان بدهم و نان ندارم ولخت و گرسنه بودن بچه های خودم را نمی توانم ببینم رضای هستم اگر مؤسسه ای باشد و بخواهد این بچه ها را برانگیزد به آن مؤسسه واگذار میکنم و بعد البته نسبت بمؤسسات اینام و این ها توضیحاتی داده که بنده میا ندارم با آنها اشاره ای بکنم و مقصودم این است که آقایان توجه داشته باشند البته اگر آقایان میل داشته باشند این عرایض که بنده عرض کرده بخدمت آقایان نوشته شده و اسامی و آدرس و محل اقامت آنرا بنده دارم مقصود این است که شیراز یکی از پر ثروت ترین و آباد ترین ایلات ایران است از نظر استعداد و آفاقه از نظر بی توجهی دولت بدیخترین و بدترین و فلاکت ریزترین اصدرا زاده سالها است) هسایه های خود ما است که با کرسی هم در دست است و از آقای صدر زاده هم تشکر میکنم و سایر آقایان نمایندگان فارس که منتهای توجه را باین امر دارند.

موضوع دیگر موضوع دادگستری است بنده چون برده روشی را باین صورت توجیه کردم و عرض کردم و موضوع آنرا بصورتی که در کتابهای دروغی اروپا نوشته و روی آن جنگ کرده و بمنظور جنگ تریاک درست کردند و این طورها نیست باید عرض کنم که موضوع دادگستری ایران بزرگترین عامل رفاه باید بدیختی کشور است (صحیح است) کشور از قشون آباد نمیشود بقیه بنده از فرهنگ هم نه تنهایی آباد نمیشود (صحیح است) ار بهداشت هم آباد نمیشود ، کشور فقط از دادگستری و عدالت آباد میشود (صحیح است) اگر کشوری عدالت و دادگستری داشته باشد آن کشور با کمال سهولت باقی عوامل استقلال و آبادی خودش را فراهم میکند (صحیح است) من کمال تأسرفا دارم که باید گاهی یک مطالبی را عرض کنم که بنزدیکترین اشخاص زندگانی من تماس دارد بنده وقتی که شروع بانجام وظیفه و کالتی کردم ملاحظه کردم توجه بمطالب ملی بانترافات شخصی وقت نمیدهم مثلاً ملاحظه بفرمائید الان وزارت دادگستری زیر نظر شخص رئیس الوزرا است هر چند در مورد وزارت خانه نسبت بجلس بر خلاف مقررات رفتار شده باشد ، یعنی نه آقای ساعد خودشان را بعنوان کفالت وزارت دادگستری دول بزرگ دنیا امروز دیگر بیهانه های برده فروشی و جنگ تریاک و غیره بجان ممالک ضعیف نخواهند افتاد و خوبخانه با وسایل علمی که دارند احتیاجی باین بیهانه ندارند امروز نفوذها جنبه اقتصادی پیدا کرده و هر کسویکه بتواند از استقلال و تمامیت خودش بجزو نیاید یا بکند و ایران هم هیچ کشور بزرگ و کوچک جهان نخواهد توانست در امر او مداخله کند (صحیح است)

و از این جهت خواستم مخصوصاً راجع هر گونه سوء تفاهم بشود و معذکات چون یک نفر آموزگار از شیراز بمن یک تگندی نوشته و من اجازه ندارم کاسم اور بگیرم ولی بهمکاران محترم ابراز عرض میکنم

فرانسه راهم در تهران منتشر میکردند ولی چه بکنم آقا وظیفه ملی با وظیفه دوسته وفق نمیدهد بنده اطلاع حاصل کردم که در دیوان کشور همان دیوانی که تمام این مملکت بمذات پروری آن دیوان بنا نهاده است یک کار بسیار غیر قانونی شده که نه تنها بقوانین هادی مملکت صدمه میزند بلکه قانون اساسی این مملکت را نقض میکند (دکتر اعتبار - به بودی چه مربوط است وزیر دادگستری در دیوان کشور نفوذی ندارد) الان عرض میکنم در شعبه پنج دیوان کشور که همه اشخاص شریفی هستند و همه دیوان کشور را بنده عموماً اشخاص شریف می دانم آقای جوان رئیس شعبه هستند آقای محمد حاصم دادیار هستند آقایان صفی نیاود کتر قاضی ، مستشار هستند و بمنظور آقای دکتر غیبانی خیال میکنم مستشاران که مرخصند و فعلاً گاهی آقای عرفان یا دیگری حضور پیدا میکنند ، یکی از پرونده های این مملکت که در دیوان کبیر مطرح بوده و آن پرونده را دیوان کبیر بصورتی که لازمه قانونی آن بوده در آورده برای تمیز باین شعبه ارجاع شده است . بنده اطلاع حاصل کردم که چند روز است شاید حالا ده روز است این پرونده در این شعبه تقریباً چندماه است مطرح است روی این پرونده گزارشی هست که من میکنم از آقای دکتر قاضی است روی این گزارش هیچ تصمیم گرفته نشده آقایان میدانند که با اصطلاح اروپا آنها وقتیکه عدلیه در کاری دخالت کرد هیچ قوای نمیتواند دخالت کند و عدلیه یعنی آن محکمه صالحه عدلیه در اروپا میگویند لازستیس استیزی؟ این یک اصطلاح مخصوصی است یعنی مطلب رفت بمحکمه صالحه مثلاً اگر وزیر یا وکیل یا باهر امری که در اطرافش جنجالی پیدا شود پرونده در شهر بانی درست می شود ، تحقیقات آگاهی می شود تحقیقات ژاندارمری میشود همه اش از روی قانون است البته و بعد مثلاً محکمه ابتدائی فرض بفرمائید که من بلبه باین کار رسیدگی میکنند حتی کوچکتر دیگر از این تاریخ از رئیس جمهور گرفته تا کوچکترین ثبات هیچکس نمیتواند نسبت برای این محکمه مداخله بکند و مادام که محکمه رأیش را نداده این پرونده را از آن محکمه نمیتواند خارج بکنند و اعضاء محکمه راهیجس در هیچ جائی نمیتواند تغییر بدهد بنده البته قضیه را بخوبی یاد هست و خوب یاد هست که آن ژورنالیست و کویون یک آدم ضعیفی بود اینجا هم بایستد یا نقض بکنند یا تأیید بکنند پس رأی میبایستی بدهند . آقای بودی معاون محترم این پرونده را از شعبه دیوان کشور گرفته و فعلاً در میز خودشان نگاه داشته اند این عین حقیقت است و طبق قانون هم اعلام جرم میکنم (یکی از نمایندگان - چه پرونده ای هست) پرونده متعلق است بیکی دیگر از دوستان بنده دوستان ظاهری و غیر اجتماعی البته آقای حسین نفیسی چون بنده این جا شخصیت خود را از دست داده ام بنده اینجا باید وظائف خودم را انجام بدهم بنده یک سؤالی هم دارم نسبت با آقای بودی اعلام جرم می کنم نسبت با آقایان اعضاء این شعبه و همچنین جناب آقای جهانشاهی و جناب آقای هبت که کمال ارادت هم بپردو نفر آقایان دارم و همچنین کسانی که باید عادتاً مطلع شده باشند عجلتاً این دو نفر علاوه بر شعبه هستند بنده از این دو نفر آقایان هم تقاضا میکنم یا در اطلاعات امشب و فردا شب این

را کشف و تعقیب کند و من با کمال بی صبری انتظار دارم که دولت جناب آقای ساعد تمام نیروی معنوی و قانونی خود را نسبت به تعقیب مرتکبین و تقویت دستگاه قضائی بکار برد و جریانات فساد را با تمام آنجا که ممکن است در مجلس بیان کند (صحیح است استحضار) استندهای دیگر بنده این است که جناب آقای مهندس رضوی همکار محترم بنده بر خصمی میروند و عیارم کرمان هستند و میخواهند چند دقیقه از آقایان محترم تودیع بکنند و بیاناتی بکنند از آقایان استحضار میکنم که چند دقیقه هم بایشان فرصت بدهم که مثل بنده عرایضشان را بطور اختصار بیان کنند.

رئیس - بسیار خوب آقایان پنج دقیقه بشما وقت میدهم.

مهندس رضوی پنج دقیقه آقا بنده صبح آمدم نوشته ام امروز هم نوشته ام آقای صدر زاده بود آقای حاظقی و بنده (حاظقی - من میخواستم مخالفت با نطق قبیل دستور بکنم ولی چون نوبت جنابعالی است صرف نظر میکنم) از جنابعالی خیلی تشکر میکنم و همچنین از جناب آقای صدر زاده و جناب آقای رئیس تشکر میکنم که اجازه فرمودند بنده فقط بطور مختصر چند دقیقه عرایض دارم چون اینجناب با اتفاق همکار محترم آقای دکتر بقائر با اجازه مجلس عازم بودیم که بعنوان مرخصی قانونی چند هفته ای در کرمان و حوزه انتخابی طبیعی یا غیر طبیعی خودمان بگذرانیم (حاظقی - انشاءالله طبیعی است) بنده خواستم ابتدا از حضور آقایان نمایندگان محترم نسبت ببعیبت و مرحمت هائی که در تمام این یکسال و نیم گذشته نسبت به فرموده اند تشکر بکنم و بعد چند موضوع که بنظر خودم لازم است لازم بتذکر بود و حتی یکی دو قسمت برای بنده طبقه وجدانی ایجاد شده است با اجازه نمایندگان محترم در ظرف چند دقیقه توضیح عرض کنم ، موضوع اول مربوط است بآنچه راجع بقصر بی اندازه قسمتی از مردم که بنده عرض کردم برای توجه مطلب و توضیح امر نه برای جلب احساسات بلکه برای جلب نظر و کمک دولت از نظر قانون عرض کردم که مردم قسمتی از این مملکت در نتیجه فشار اقتصادی گاهی افراد خانواده خودشان را که با آنها البته محبت پدر و مادری دارند آنها را بدست افرادی - میسارند برای کار کردن و در حقیقت آنها را میفروشند اما هیچ ارتباطی با برده فروشی بمعنائی که در تاریخ صد ساله اخیر دنیا مسطور است ندارد (صحیح است) و میخواهم حضور مبارک آقایان هم عرض کنم که دول بزرگ دنیا امروز دیگر بیهانه های برده فروشی و جنگ تریاک و غیره بجان ممالک ضعیف نخواهند افتاد و خوبخانه با وسایل علمی که دارند احتیاجی باین بیهانه ندارند امروز نفوذها جنبه اقتصادی پیدا کرده و هر کسویکه بتواند از استقلال و تمامیت خودش بجزو نیاید یا بکند و ایران هم هیچ کشور بزرگ و کوچک جهان نخواهد توانست در امر او مداخله کند (صحیح است)

و از این جهت خواستم مخصوصاً راجع هر گونه سوء تفاهم بشود و معذکات چون یک نفر آموزگار از شیراز بمن یک تگندی نوشته و من اجازه ندارم کاسم اور بگیرم ولی بهمکاران محترم ابراز عرض میکنم

موضوع را با دلایل تکذیب بفرمایند و بنده البته در اینصورت قانع می‌شوم با امضاء مشترکشان و با اگر میخواهند ساکت بمانند جواب ملت ایران را در روزیکه ملت ایران رسیدگی خواهد کرد بدهند (یکی از نمایندگان - از وزارت عدلیه بپرسید آقا) بنده از آقای ساعد پرسیدم بعد آقای بوذری را هم اعلام جرم کردم . بعد از دیوان کشور ، کاشاید از این آقایان که احضار و حبسشان ده برابر و صد برابر از بنده بیشتر است و خود بنده با کمال میل اختیار جان و مال و خانواده ام را بپوشم از آقایان واگذار میکنم تقاضا کردم اگر صحت ندارد تکذیب بفرمایند (صدر زاده - جناب آقای مهندس رضوی برای رعایت اصول قضائی اینطور پیشنهاد بفرمایند که آقایان قبلا تشریف بیاورند توضیح بدهند زیرا قبح از روشن شدن مطلب اعلام جرم موضوعی ندارد و اعلام جرم راهم فعلا مسترد بفرمایند) بسیار خوب طبق پیشنهاد آقای صدر زاده بنده اعلام جرم کتبی هم که تهیه کرده بودم نمیدهم و منتظر توضیح می‌شوم (صدر زاده - آفرین احسن) بنده برای این که معلوم شود که هیچ تبعیضی در اطلاعات خودم قائل نیستم ولی بدلائلی میخواستم يك موضوع دیگر را مسکوت بگذارم چون آقای دکتر اختیار بپند تندر دادند که آقای بوذری چه ارتباطی دارد بنده ناچار هستم آقای دکتر اختیار سابقان دراز است که پدر شما رئیس یرمن بود وزیر من بود بطرز کار او از نظر حدت و استنباط علاقه مند هستم در سایر جنبه های شخصی با او البته همکاری نمیتوانم بکنم اما حالا چون فرمودید بشما عرض میکنم اطلاع ثانوی و جرم قانونی حقیقی را که ممکن است ظاهراً جرم نباشد ولی هر مرد با شرفی که الان خواهم گفت یقین دارم خواهد لرزید ، در پروجرده مردی رئیس دادگستری است که از شریف ترین قضات این مملکت است بنام عظیما (صحیح است) در پروجرده يك خانواده ای که علاقه مند هستند که فرزندشان را ب مجلس بفرستند خانواده منم در کرمان شاید این هلاک را دارند اگر چه پدر ندارم ولی برادر دارم پس تا این حد بنده حرفی ندارم ، آقایان خانواده های ثقة الاسلامی و حاجی میرزا ابوالقاسم و بشیر معظم هر سه خانواده از متفقدین محل هستند ، هر سه خانواده طرفدار آقای اختیار الدوله هستند این آقایان يك هلی میکنند که در سابقه مشروطیت ایران اصلا نظیر ندارد آقا نجفی اصفهانی باید بیاید و از این آقایان درس بگیرد و دوباره باین دنیا برگردد این آقایان می بینند عظیما مرد درستکار هیچ عنوانی در تبااهی آنها وارد نمیشود می بینند آقای وزیر دادگستری ممکن نیست عظیما را احضار بکنند (اسلامی - آقای مهندس رضوی ما چه بکنیم) شما وکیل ملت هستید آقا مناسفانه (اسلامی - وقت مجلس را نگیرید) (آزاد - بگذارید این صحبت ها گفته بشود) (اسلامی - قسمتهای مهمتری هست ، ۳ ماه وقت داریم که کار کنیم) می آیند يك روضه خوانی ترتیب میدهند ، آقای موسوی شما که بیست سال است با قلم خودتان در این مملکت نفوذ کرده اید و من باید تصدیق کنم که امروز يك نفوذ قلبی در ظرف بیست سال دارید و میتوانید می بینید الفقه کنید توجه بفرمایید روضه خوانی تشکیک

میدهند رئیس دادگستری را بآن روضه خوانی دعوت می کنند با تباخی از او می پرسند آقای عظیما شما با همه سخت گیری می کنید؟ میگوید نه من چرا سخت گیری میکنم ، هر کس قانونا تخلف بکند من تعقیب میکنم ، میگوید اگر از ارادتمندان حضرت آقای بوذری در اینجا خلافتی بکنند چه می کنید؟ میگوید که من یقین دارم که از ارادتمندان آقای آیت الله بروجردی کسی خلاف نمیکند ولی اگر خلاف بکنند طبق قانون رفتار میکنم . میگوید اگر از بستگان حضرت آیت الله خلافتی بکنند چه می کنید؟ میگوید من یقین دارم بستگان حضرت آیت الله خلافتی نمی کنند ولی اگر خلافتی بکنند من باید طبق قانون رفتار بکنم حالا اینها همه تباخی و این مجلس ساختگی است .

میگویند اگر خیلی نزدیک حضرت آیت الله باشد چه می کنید؟ میگوید والله قانون نمی نویسد که نزدیک باشد یا دور باشد من هر چه وظیفه ام باشد انجام میدهم . میگویند اگر حضرت آیت الله بروجردی جرم بکنند چه میکنی؟ به بینید عظیما بیچاره چه جواب میدهد میگوید آقای مجتهد سر محل ، بیش نمار گناه کبیره نمیکند و از گناه صغیره احتراز میکنند پس کسیکه مرجع تقلید شیعه است البته وجودش ذاتش ، فکرش ، میری از جنایات و جرائم است من تصور نمیکند که ایشان تخلفی نکنند ، اصرار می کنند این امضاء خانواده ها که حالا اگر اتفاق افتاد ، او همان جوابی را میدهد که بنده اینجا بنام ملت ایران میدهم میگوید اگر اتفاق افتاد و ایشان جرمی طبق قانون بر ایشان معرز شد طبق قانون هم عمل میکنم مطلب تمام میشود بیکی از آقایان در تلگرافخانه از یک ساعت پیش جریان را می گفتند و فوراً به تهران تلگراف می کنند رئیس نظمی و فرماندار که جوان خوبی است و او هم در این توطئه شرکت کرده او از نزدیکترین دوستان من است برادرش رفیق ترین اشخاص من است این را هم بدانید رفیق ترین اشخاص من برادر همان فرماندار است و فقط او هم دوست بنده است ولی آقا چه بکنم فقط شما این دستگاه را پرورش داده اید آقایان محترم تلگراف میشود تهران گوش بکنید رئیس نظمی فوراً این آقا را برتس میکنند آقای وکیل شما که دلسوخته دادگستری هستید گوش بدهید میگوید مردم میخواهند شما را بکشند شما ب مقام آیت الله جسارت کردید این بیچاره چه بکنند فقط از درستی و یا کی خودش بخدا پناه میبرد میروند در خانه اش می گویند آقا امشب دستور است شما اگر نروید شما را بکشند می گویند من کاری نکردم که مرا بکشند بگذارید مردم بروجرد مرا بکشند می گویند نه آقا ما شمارا حفظ می کنیم گروهان می گذارند ، ژاندارم میگذارند ، آژان میگذارند این مرد یا کدام را می خواهند در مقابل مردم بروجرد حفظ بکنند اینها همه تصنیف است ، اینها همه تظاهر است همه آنها هم که می کردند میدانستند تلگراف تهران میشود قبل از آنکه موضوع در آنجا خاتمه پیدا کند ثقة الاسلامی با آقای دکتر اعتبار بواسطه اختلافات انتخاباتی که با اشخاص دیگری دارند البته بنده کار باختلاف انتخابات ایشان ندارم امیدوارم که ملت بروجرد

هم بداند که باید یکی رأی بدهد ولی با اقدامات قانونی و غیرقانونی یعنی نفوذ نامشروع که در دستگاه یوسیده این مملکت اعمال می کنند در این موقع عظیما را احضار می کنند با تلگراف و می گویند بیا ، آقا عظیما بعد از سه روز چه می کند میروید قهوه قم کجا میروید ؟ میروید نزد آیت الله بروجردی مرجع تقلید شیعه و با ایشان عرض می کنید می گوید آقا ایست جریان من ، بلی آقا ، آیت الله بروجردی که الحمد لله از وزیر دادگستری دادگستری تر است مرجع تقلید شیعه میگوید من ! من شمای یا کدامان را بدست مردم بدهم که شما را تکه تکه کنند ! اگر من جرم کردم البته شما هم باید تعقیب کنید این حرف فرمایش بزرگی است از آیت الله بروجردی بفرمایند بروی مرد یا کدامان برو و بدان که من آلت دست این مقاصد پلید میشوم این حرف را میگوید و می نویسد آیت الله بروجردی ولی وزیر دادگستری چه میکنید؟ عظیما را اینجا نگاه میدارد و دیگری را بیروجرده میفرستد تا این خانواده ها در بروجرد بچایند . آقای بوذری ، دوستی من با شما ای آقای بوذری سی سال دوستی من باشا که تو گرسنه بودی در این مملکت و با این همه اصرار معاون وزارت دادگستری شدی برای چه شدی ؟ چرا معاونت قبول کردی ؟ باید برای حفظ حقوق مملکت باشد من بفضل او سابقه او بهر بانی بوذری ، باینکه سی سال تمام سلام و علیک با او گوید ترین سلام و علیک است تو ای این شهر من باو احترام میکنم ولی امروز دیگر او بوذری نیست امروز معاون وزارت دادگستری و در حقیقت جانشین وزیر دادگستری است بلی آقا ، اعتبار . . .

رئیس - آقای مهندس رضوی مختصر بفرمایید

مهندس رضوی - چشم اطاعت میشود بنده باز يك چیز دیگر میگویم که بدانند بنده هیچ تبعیضی نمیکنم آقای موسوی و آقای دکتر راجی من از دوستان قدیمی بنده هستند با آقای دکتر راجی سابقه زیادی دارم و با آقای موسوی و آقای سلطانی و آقای بهبانی هم ارادت پیدا کردیم ، ارادت مجلسی ، ولی ببینید آقای بوذری بواسطه فساد همین محیط چه میکند می آید یک نفر بنام آل محمد که فقط رتبه پنج قضائی دارد و شوبع دارد که ناملا مرد بد سابقه و غیر مطمئن است او را مدعی العموم استیناف استان شش میکند (موسوی - نیست همچو چیز) درجه موقمی ؟ در موقمی که در آن حوزه شخصی مثل آقای فاضل کاشانی نشسته است مقصودم اینست که من فرق نمیگذارم (دهقان - اینها ممکن است اشتباه باشد) تمام اینها حقایق است (دهقان - آخر آقای موسوی تکذیب میکنند) آقای موسوی هر چه بگویند من قبول میکنم ولی فقط در پشت تریبون .

رئیس - فرمایشتان تمام نشد آقای مهندس رضوی ؟

مهندس رضوی - اجازه بفرمایید راجع بوزارت امور خارجه هم من يك وظیفه وجدانی دارم و آن اینست که بنده در بین هرایضم نسبت سوه استفاده و چپاولگری بقسولگریهای سوریه و استانبول و بیروت و قسولگریهای دیگر دادم و نسبت با شخصی

که آنجا بودند دمرتبه نباید میکنم و نباید میکنم چون پرونده دارد ، در معرمانه ، وزارت خارجه پرونده دارد در نظمی فرانسه پرونده دارد البته بنده بآن کار ندارم اما نسبت بآن فرار آقایانی که اینجا بودند بنده تکذیب میکنم که اینها هم سوه استفاده کنندگان شرارت مالی هستند گفتن آنها را تقویت میکند ولی بعد از آنکه مطالعه کردم این موضوع را دیدم آنچه در کتابت گفته بودم واضح به بیرون و جریان حقیقت وزارت خارجه عین حقیقت است اما آنچه در باره این اشخاص گفتم مناسفانه يك جوان تحصیل کرده که من باو تا اکنون احترام داشتم ولی از آن روز احترامم باو سلب شده این نسبت را منفرضانه بمن داده بود و من وظیفه وجدانیم بود که این را بشما عرض کنم در آن صورت سه نفر هستند که این سه نفر از نظر مال در این مملکت با اکثرین اشخاص هستند یکی آقای شاهرخی است که تماماً مردیای کی است یکی دیگر آقای عبدالحمید مفتاح است که حتماً مرد - یا کدامی است و نفر سوم آقای دلایک است که حتماً مرد یا کدامی است فقط از نظر یا کدامی مالی و مادی بنده تأیید میکنم نسبت بدون نفر دیگر آقایان نمیتوانم فعلاً نظری عرض کنم یعنی نسبت بآقای زنجانی مردم نسبت بآقای پیرنظر ساکتیم این طرز قضاوت من است و از این سه نفر اخیر یعنی آقایان شاهرخی ، دلایک و عبدالحمید مفتاح وجداناً من منفر میخوانم ولی قضاوت اصلی من همان بوده است که این آقایان بمناسبت سیر و روش خود از این اشخاص نا صالح تقویت میکردند اما شنیدم بعضی از آنها خودشان میارزه میکردند با نا صالحین و این بیشتر بر شرمندگی من افزود (محمد ذوالفقاری - راجع بزنجانی هم تردید نفرمائید او هم مرد درستی است) فرمایش شما را من قبول دارم آقای زنجانی را هم بگفته آقای محمد خان ذوالفقاری قبول میکنم که از ایشان هم رفیع سوه تفاهم بشود ولی اگر تحقیقی بشود و بعداً معلوم شود که مطالب من صحیح نیست خود من فردا می آیم و میگویم . وقت بنده تمام شد از مقام ریاست هم خیلی تشکر میکنم که به بنده اجازه صحبت دادند و مطالب بسیاری داشتم راجع به نگاه آبیاری که این خیلی قابل توجه است و شاید برای کرمانها هم نشان میداد که چطور دولت بولها را بیرون میریزد ولی بکرمان توجه نمیکنند ولی با چهار حمله هرایش خودم را خاتمه میدهم . اولاً با تشکر تمام از مجلس شورای ملی با اجازه آقایان بهرخصی بکرمان میروم و امیدوارم همانطوریکه تا ما در مجلس بودیم کمال محبت را فرمودید در غیاب بنده هم اگر این مطالب مطرح شد آقایان از روی وجدان هر طور که صلاح دانستند اقدام بکنند تا بنای بنده اهل التماس نیستم . کرمانها را هم گرسنه میدانم ، یعنی ملت کرمان را اما آنها يك طبع خاصی دارند (یک نفر از نمایندگان - همه ایرانها اینطورند) همه ایرانها اینطورند این صحیح است و از دولت هم عقیده دارم که التماس معنی ندارد چون دولت را خاد مردم میدانم و البته حقوقی که شما بآنها میدید البته این حقوقها فملا جزئی است حقوقی که شما بيك رئیس الوزراه میدید در هیچ جای دنیا اینقدر نمیدهند شما بيك رئیس الوزراه

نه خانه میدید نه حقوق کافی میدیدنه وسیله تشریفات او را معین میکنید (يك نفر از نمایندگان - مدتش كو تمام است) مقصودم اینست است که این حقوقها را بنده کافی میدانم برای خدمتشان اما در مقابل يك مقام و قدرتی را میدید که وقتی کسی قبول میکند قبول این قدرت و مسئولیت یعنی قبول خدمتگذاری مردم و گمان نمیکنم هیچکدام از آقایان صبح زود در منزل خودشان تقاضا کنند که برید و برای ما نان بخیرید من که گمان نمیکنم که آقایان در خانه ای که سرپرستی و ریاست داشته باشید تقاضی کنید به همین جهت چون ریاست مملکت اساساً و سرپرستی زیر نظر اعلیحضرت همایونی بر ملت ایران است و ما هم نماینده ملت ایران هستیم پس ما در واقع تا اندازه همانطور که بکوقتی یکی از نمایندگان معترض فرمودند در مجلس در ابتدای دوره ، در واقع اگر ما خالق دولت نیستیم افلام بنویسیم بگوئیم که ما آورنده و نگاهدارنده دولت هستیم بنابراین من التماس نمیکنم ولی بدولت اعلام میکنم که استان کرمان در تمام دوره اعلیحضرت فقید از هر گونه توجهی بکنی محروم ماند و امروز این استان پر استعداد و تاریخی بشما تذکر میدهم آقا که اگر میخواهید بنام من یعنی بنام کرمان در دنیا حکومت کنید آخر باید بنام مملکت ایران حکومت کرد و ایران هم یعنی آذربایجان ، یعنی کرمان ، یعنی فارس . یعنی بروجرد یعنی خوزستان ، یعنی سایر نقاط ، پس اگر میخواهید در نقشه جغرافیائی ایران نام کرمان را هم حقیقه داشته باشید باید بدانید که کرمان محتاج توجه عاجل و فوری و فوری است آن هم نه با الفاظ ، نه با تماریف و تشریفات آقایان من استدعا میکنم هیچوقت احوال گرسنه های کرمان را با تلگراف و تماریف حقیقه نیرسید اگر میخواهید بکرمان توجهی بفرمائید ، این را بدولت تذکر میدهم یکی از وزرا را مأمور کنید که آقا بیا برو کرمان مطالعه بکن آنهم نه اینکه سه روز در کرمان بمان سلام کن ، تماریف کن (صدر زاده - باهوا ایما) بلی آن هم نا هوا بیما نه ، يك وزیري که اولاً بیابان گرد باشد مثل مرحوم داور و مثل اولاد داور مثل کسانی که از آن نایفه آمده اند بیرون اگر وزیر مالیرا بفرستید که اصلاً همانجا حل میکنند چون همه شکایتهای ما را هم وقتی بدلت میگوئیم دولت میگوید بروید وزیر دارائی راضی کنید اما من جناب آقای ساعد پنج جلسه انتقاد کردم در کار شما و روش شما و رای نا قابل خودم را بشما هم دادم و تمام ملت کرمان هم از راه رای و کلامی کرمان و مجلس و بخصوص رفتار و کلامی کرمان نشان دادند که هیچوقت تضییع کنند دولت نیستند پس آقایان یکی از وزرا را مأمور بفرمائید بروند کرمان من حرفی ندارم بگذارید این سرما هم بگذرد بعد بروند بکرمان و در آنجا بروند ببینند دو هفته سه هفته در این کرمان در تمام استان کرمان بگردند و ببینند چه مخزنی چه جواهری و چه قسمتهای گرانبانی در این کشور است که در روی ترین حقیقه مردم آنجا به بیست ترین وجهی و کم شأن ترین ترتیبی از حیث مادی در آنجا زندگی میکنند ولی شتون معنوی و حیثیات ملی آنها محفوظ است و شما بدانید روزیکه ایران در خطر باشد همراه

و همای تمام استانها همان کرمان کرمان بهر طرف که صلاح باشد همراه شما هستند .

رئیس - آقای دکتر اعتبار

جمعی از نمایندگان - دستور ، دستور

دکتر اعتبار - عرض شود که بنده از آقای مهندس رضوی هم تهنیتی میگویم تشریف داشته باشند اینچنان .

مهندس رضوی - بنده خیلی خسته هستم و هر چه بفرمائید من در وقت جلسه نگاه میکنم استدعا میکنم طوری بفرمائید که در صورت جلسه قید شود .

دکتر اعتبار - عرض شود که بنده از آقای مهندس رضوی که منتم که وقتی يك موضوعی راجع بجزوه انتخابی من میشوند بدون اینکه از خود من سؤال بکنند که موضوع چه بوده می آیند اینجا مطرح میکنند (صحیح است) و حالا بنده برای اینکه حقیقت این موضوع را که واقعا آنطور که بوده است آقایان بشنوند اجازه میخواهم که بهریشان برسانم ، اولاً اطلاعات ایشان نسبت بروجرد خیلی خیلی ناقص است و کسی هم که این اطلاعات را با ایشان داده او هم اطلاعاتش ناقص بود ، است ایشان در دو فرمایشاتشان فرمودند که در بروجرد سه فامیل هستند یکی فامیل ثقة الاسلامی ، یکی فامیل بشیر معظم و یکی فامیل حاج میرزا ابوالقاسم که اینها همه از طرفداران بنده اند . عرض شود که اولیش صحیح است فامیل آقای ثقة الاسلامی وجود دارد و بسیار فامیل متعزنی هستند آنجا و از دوستان بنده هستند . فامیل بشیر معظم اصلاً نداریم و فامیل گودرزی هست آنجا (صحیح است) فامیل حاجی میرزا ابوالقاسم هم نداریم سلسله جلیله طباطبائی هست که ایشان هم جزء آن سلسله است این مربوط با شتابی بود که با ایشان اشتباه گفته بودند . اما این جریان عرض کنم این آقای حاجی میرزا ابوالقاسم که ایشان هم بودند در انتخابات گذشته بروجرد بشه دت آقای فولادوند که تشریف داشتند آنها از مخالفین سرسخت بنده بودند نهایت مخالفت را با بنده داشتند (فولادوند - از آقای سلطان العلماء سؤال بفرمائید بنده اطلاعی ندارم) اما جریان رئیس دادگستری بروجرد عرض شود که در آن ایام رئیس دادگستری بروجرد توجه بفرمائید آقایان در بروجرد ما سه لاهست بيك رئیس دادگستری داشتیم بنام آقای رشید گودرزی از فامیل گودرزی همان فامیلی که در انتخابات با رأی دادند و با آقای سلطان العلماء رأی دادند و نهایت احترام را هم ما بآن فامیل داریم منتهی برای آنکه ما تشخیص دادیم که بيك رئیس دادگستری محلی در بروجرد صلاح نیست باشد جناب آقای سلطان العلماء و بنده اقدام کردیم که رئیس دادگستری آنجا عوض بشود و با وجود اینکه آقای گودرزی محظورات فامیل خیلی زیادی داشت ایشان را از آنجا در زمان وزارت دادگستری آقای سروری بود که عوض کردیم ، و خود ما هم اقدام کردیم که بيك شخص بی نظری و صحیح و درستی یعنی آقای عظیما آنجا فرستاده شود و ما از ایشان کمال رضایت رداشته و داریم این راهم بنده و آقای سلطان العلماء رقتیم و اقدام کردیم . بهمان چند روز روز چهارشنبه هفته قبل یعنی همان روزی که آقای حکیم الملک اتفاقاً وارد شدند و بنده

هم بدین ایشان رفته بودم از برو جرد با تلفن میخوانند باینده صحبت بکنند . بنده نبودم دسترسی پیدا نمیکند از رفتن آقای آهنگار بدینده را خبر میکنند که آقا در اینجا این اتفاق افتاده در یک مجلس روضه خوانی بوده است که در آنجا یعنی میشود بین آقای عظیم و آقای حاج میرزا ابوالقاسم و آن بحث منتهی میشود باینکه آقایان با هم دیگر خیلی تندی میشوند و من بحث روی آقای برو جردی بوده است اینست که وضع آقای عظیم را بر وجود خوب نیست اقدام بکنید که ایشان فعلا از اینجا احضار شوند تا این نزاع خاتمه پیدا کند . عرض کنم که حضرت آیه الله برو جردی که مورد تکریم و احترام تمام مسلمین هستند (ص.ج.ت) در برو جرد یک جنبه مخصوصی دارند . در تمام این مدتی که در مملکت آنجوهائی بوده است ، فقط غلامی بوده است بعد الله شهر برو جرد از بزرگ وجود ایشان همیشه مصون بوده است و اینجهت در برو جرد نفوذ ایشان و اسم ایشان یک معنی مخصوصی دارد این موضوع آقای آهنگار تلفن میکنند به آقای بو ذری که آقای بو ذری یک چنین جریانی هست و عقبه من مصلحت در اینست که ایشان را از انجام واقعه احضار بکنید تا این موضوع حل شود . و آقای بو ذری هم عقبه بنده بسیار عمل خوبی کردند و فوری ایشان را احضار کردند و آمدند و خود آقای عظیم هم که بسیار مرد مسلمانی هستند رفته بودند چه حضرت آیه الله را ملاقات کرده بودند و رفع سوء تفاهم هم شده بود و کسی هم بجای ایشان فرستاده نشده و خود ایشان میبایستی برگردند برو جرد و آنهم اشتباه بود که آقای مهندس رضوی فرمودند .

بوده خود ایشان هم رفته بودند خدمت آقا و مطابق اطلاعی که امروز صبح بنده دارم ایشان فرموده بودند بهیچوجه نه تکرانم از اینکه تو بروی و نه میل دارم که تو بروی و امر با خود دولت است و البته بروی هم بهتر است این بیان ایشان است که بنده عرض می کنم و بهیچ وجهی هم حضرت آیه الله دخنانی در امور ادارات برو جرد دارند نه در امور انتخابات که جناب آقای دکتر اعتبار فرمودند بهیچوجه نبوده است پس بناء علیهذا این قسم را بهیچوجه مربوط بعضی آیه الله نفرمائید حضرت آیه الله از این چیزها مبری هستند .

رئیس - آقای دکتر راجی - بنده هم دو دقیقه وقت مجلس را میگیرم خیلی آرزو می کردم آقایانیکه می آیند اینجا راجع باشخص اشخاص اظهاراتی می فرمایند قبلا تحقیقاتی می فرمودند تا بعد نمی آمدند تکذیب بکنند عرض کنم از قزاقی که بنده شنیدم افراد مقامات بالای داد گسترده بین خودشان اختلافاتی است و این اختلافات هم شاید از این جا سرچشمه گرفته قسمتی که آقای مهندس رضوی فرمودند و اسم بنده و آقای موسوی و چند نفر از نمایندگان را بردند شاید آقایان بخوانند چنین استنباط بکنند که در انتصاب مأمورین داد گسترده و یا سائر ادارات بنده بر آقای بنده دخالتی کرده باشیم بنده موخواستم صریحا عرض کنم در انتصابات دولتی بنده یار قزاقی بنده دخالتی نمیکنم (ص.ج.ت) عرض کنم که راجع بقزاقی که در خبر شهر شده و این قزاق بلشوی بیلبون دارد را لایحه امیر میرسد (ص.ج.ت) و اسنادی را با مضای بانکهای امریکا و انگلیس جعل کرده اند میخواهم این جا عرض کنم که اصلا قزاقی هیچوقت در ایران گرفته نمیشود و یکمشت لغت و برهنه را با اسم قزاقی میگیرند که چرا یک چیزی را از اینور به آنور میبرند میگیرند بعنوان قزاقی مردم را بیهوده اذیت میکنند اگر میخواهند قزاقی را بگیرند قزاقی اصل و مرگش در تهران است در مقامات عالی است و میباشم کشاید در همین جا حاضر باشد (عددهای از نمایندگان - بگوئید) چون تحقیقات کامل نیست اسم نمیبرم که وقت مقام نشود وقتی تحقیقات روشن شد متما خواهد گفت (عددهای از نمایندگان - بفرمائید آقا بفرمائید) آقا بفرمائید بگذریم ممدودی در مرکز کاسامی آنها هم بر بنده تمام نیست یکی دو تا نماینده مجلس هم هست واسه من را خواهم گفت بعد از تحقیق (دکتر طبیب - تقریبی بگوئید) تقریبی حرف نمیزنم که بعد بیا بکنند تکذیب کنند آقای دکتر طبیب بگفت بگذریم بعدوی سوره و عرب اجنبی در کلبه امور قزاقی شرکت کردند و مبالغ فوق العاده زیادی را بردند دست دولت و عمال دولت و داد گسترده بدامن آنها نرسد و یک عده لغت و بدبخت را گرفته اند که شما قزاقی هستید و آنها را در زندان زیر شکنجه و فشار قرار داده اند که شما قزاقی هستید استعدا میکنم به بنده اجازه بفرمائید میخواهم که جناب آقای نخست وزیر که وزیر داد گسترده هم هستند راجع باین موضوع توضیح بدهند .

دکتر راجی - بنده هم دو دقیقه وقت مجلس را میگیرم خیلی آرزو می کردم آقایانیکه می آیند اینجا راجع باشخص اشخاص اظهاراتی می فرمایند قبلا تحقیقاتی می فرمودند تا بعد نمی آمدند تکذیب بکنند عرض کنم از قزاقی که بنده شنیدم افراد مقامات بالای داد گسترده بین خودشان اختلافاتی است و این اختلافات هم شاید از این جا سرچشمه گرفته قسمتی که آقای مهندس رضوی فرمودند و اسم بنده و آقای موسوی و چند نفر از نمایندگان را بردند شاید آقایان بخوانند چنین استنباط بکنند که در انتصاب مأمورین داد گسترده و یا سائر ادارات بنده بر آقای بنده دخالتی کرده باشیم بنده موخواستم صریحا عرض کنم در انتصابات دولتی بنده یار قزاقی بنده دخالتی نمیکنم (ص.ج.ت) عرض کنم که راجع بقزاقی که در خبر شهر شده و این قزاق بلشوی بیلبون دارد را لایحه امیر میرسد (ص.ج.ت) و اسنادی را با مضای بانکهای امریکا و انگلیس جعل کرده اند میخواهم این جا عرض کنم که اصلا قزاقی هیچوقت در ایران گرفته نمیشود و یکمشت لغت و برهنه را با اسم قزاقی میگیرند که چرا یک چیزی را از اینور به آنور میبرند میگیرند بعنوان قزاقی مردم را بیهوده اذیت میکنند اگر میخواهند قزاقی را بگیرند قزاقی اصل و مرگش در تهران است در مقامات عالی است و میباشم کشاید در همین جا حاضر باشد (عددهای از نمایندگان - بگوئید) چون تحقیقات کامل نیست اسم نمیبرم که وقت مقام نشود وقتی تحقیقات روشن شد متما خواهد گفت (عددهای از نمایندگان - بفرمائید آقا بفرمائید) آقا بفرمائید بگذریم ممدودی در مرکز کاسامی آنها هم بر بنده تمام نیست یکی دو تا نماینده مجلس هم هست واسه من را خواهم گفت بعد از تحقیق (دکتر طبیب - تقریبی بگوئید) تقریبی حرف نمیزنم که بعد بیا بکنند تکذیب کنند آقای دکتر طبیب بگفت بگذریم بعدوی سوره و عرب اجنبی در کلبه امور قزاقی شرکت کردند و مبالغ فوق العاده زیادی را بردند دست دولت و عمال دولت و داد گسترده بدامن آنها نرسد و یک عده لغت و بدبخت را گرفته اند که شما قزاقی هستید و آنها را در زندان زیر شکنجه و فشار قرار داده اند که شما قزاقی هستید استعدا میکنم به بنده اجازه بفرمائید میخواهم که جناب آقای نخست وزیر که وزیر داد گسترده هم هستند راجع باین موضوع توضیح بدهند .

یک نفر از نمایندگان - سؤال هم کرده اند رئیس - حال دیگر اجازه بدهید که وارد

سزاور - چون بنده وابسته به داد گسترده هستم و علاقه مندم البته هر وقت نقسی در داد گستره باشد باید از طریق خودش اصلاح شود دیوان کشور آخرین مرحله نهائی رسیدگی قضائی است و توضیحی که جناب آقای امامانی فرمودند که اگر در معاکم نفس قانون یا نقض قانون چیزی باشد دیوان کشور رسیدگی میکند در راس دیوان کشور جناب آقای جهانشاهی و جناب آقای هیئت تشریف دارند که از مردمان شایسته این مملکت هستند (ص.ج.ت) همچنین همه قضات دیوان کشور از مردمانی هستند که غالبان سوابق سی ساله در داد گستره دارند (ص.ج.ت) و اینها غالباً روی پوریا زندگی میکنند و با عزت نفس با حقوقشان زندگی میکنند (ص.ج.ت) و حتماً بنده هیچ وابستگی بآن پرونده بخصوص ندارم اما اگر کسی اعتراضی دارد باید از وزیر داد گستره سؤال بکند و اسم اشخاص را نمیبایستی ببرند (ص.ج.ت) که آیا نسبت باین پرونده چه کرده اند یا میکنند زیرا آنها شایستگی و صلاحیت دارند و وقتی رأی داده اند هیچ مقامی نمیتواند مداخله کند (ص.ج.ت) حتی مقام اعلیحضرت همایونی جز آنچه را که قانون اساسی اجازه داده است یک درجه تعقیف در امور جزائی دیگر هیچ مقامی شایستگی و صلاحیت ندارد در کارهای دیوان کشور مداخله بکند (ص.ج.ت) بنا بر این بنظر بنده ما باید احترام دیوان کشور را نگاه داریم و هیچ وقت اعتراض را باشخاص نباید وارد کرد و وزیر داد گستره مسئول این جریان است .

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند طرح راجع بمالیات که بقرید دو فوریت تقدیم شده در دستور مقدم باشد . مسعود ثابتی (ص.ج.ت)

مسعود ثابتی - اجازه بفرمائید ؟
رئیس - توضیحی ندارد اگر کسی مخالف باشد میتواند صحبت کند .
کشاورز صدر - بنده مخالفم بنده پیشنهاد جلوتر دادم .

رئیس - شما پیشنهادتان اینستکه بعد از سؤال آقای حائری زاده

کشاورز صدر - بله ، بله ایشان که سؤالی نکردند همان پیشنهاد را تقاضا میکنم که مطرح بفرمائید .

رئیس - شما پیشنهاد کردید بعد از ختم سؤال آقای حائری زاده لایحه مالیات مطرح شود ایشان میگویند مقدم باشد .
کشاورز صدر - بنده مخالفم (معاون پارلمانی نخست وزیر آقای سید محمد طباطبائی در اینه موقع برای اظهار مطالبی یشت تریبون آمدند)
رئیس - آقا بدون اجازه نمیتوانید بفرمائید یشت تریبون قبلا اجازه بگیریید .
طباطبائی - از طرف دولت توضیحی داشته میخواستم عرض کنم .
رئیس - بفرمائید بفرمائید تکلیف این پیشنهاد معلوم شود قبلا اجازه بگیریید بعد تشریف بیاورید .

یشت تریبون . آقای مسعود ثابتی بفرمائید در پیشنهادتان مختصراً توضیح بدهید .
مسعود ثابتی - بنده عرض اینست که مهمترین وظیفه ما در نمایندگی تعیین تکلیف دولت و مردم است راجع بمالیات (گفته شد - اکثریت نیست - پس از لحظه ای اکثریت حاصل شد) .
رئیس - بفرمائید .

مسعود ثابتی - منظور بنده اینست که این مهمترین وظیفه ماست و آقایان نمایندگانه اکثریت نشان باین موضوع توجه دارند ، دلیل این توجه هم این استکه الان در اینجا بطرق مختلف بعنوان تبصره ماده واحده بیشتر از هشتاد نفر از آقایان طرحی را امضاء کرده اند (کشاورز صدر - هیچکس بکمیسیون قوانین دارائی اجازه نمیده) شما آقا بعد تشریف بیاورید و اظهاراتیکه دارید بفرمائید و توجه بفرمائید که اصلا چه پیشنهاد شده این لایحه که الان در اینجاست یکسال بیشتر در کمیسیون قانونی که پیش از زحمت کشیده شده تنها کمییونی که پیش از پنجاه مرتبه در مجلس تشکیل شده همین کمیسیون بوده است (دکتر راجی - کمیسیون بودجه هم همینطور) نشسته اند تمام مالیات دهندگان این مملکت اصناف مختلف آمده اند اظهاراتشان را کرده اند و بالاخره این لایحه تنظیم شده است ولی متأسفانه چون مدتی است در دستور باقی مانده در کابینه سابق این لایحه تمام شده بود و حالا آقای وزیر دارائی جدید که تشریف آورده اند نظریاتی داشته اند ما احترام نظریات ایشان و همچنین سایر آقایان نمایندگان اگر نظریاتی داشته باشند چه دانه ای باز یکماه وقت تعیین شده است تا اینکه آقایان بیایند نظریاتی که دارند بدهند و با توجه بنظر آقای وزیر دارائی تکلیف مردم روشن شود (ص.ج.ت)

بیش از این نمی شود مرد را بلا تکلیف گذاشت تمام مردم منتظرند که باینده بالاخره چطور باید مالیات بدهند آقا من از خود این آقای وزیر دارائی پرسیدم گفتن بعضی میگویند این مالیات قانونی است بعضی میگویند قانونی نیست ایشان گفتند بنظر من مجوز قانونی میشود برایش پیدا کرد زیرا در یک جلسه آقای نویی پیشنهاد کردند که ۵۰ تومان بتایاری مالیاتی بخشیده باشد بنابراین وقتی از بقیه ۵۰ تومان بخشیده شده باشد پس بنا بر این مالیاتی باید وجود داشته باشد . آیامالیات یک مملکت را می شود بنا بر این مجوز برایش پیدا کرد ؟ بنابراین بنده پیشنهاد کردم این مقدم باشد (ص.ج.ت)

رئیس - آقای حائری زاده مشغول صحبت بودند الان هم برای رأی اکثریت نیست من تصور می کنم همان طور که در دستور امروز هم معین شده است آقای حائری زاده صحبتهاشان را بکنند بعد هم موضوع مالیات مطرح شود بفرمائید آقای طباطبائی .

طباطبائی (معاون پارلمانی نخست وزیر) - بنده که آمدم اینجا مطلب مختصری بود که خواستم عرض آقایان برسانم (بهادری - ولی باید از رئیس اجازه بگیریید) و آشنا بمقررات و نظامنامه مجلس هم هستم ، گفته شد که جناب آقای نخست وزیر تشریف ندارند ، خواستم عرض آقایان برسانم که ایشان کسالت دارند و بستی هستند ، قبلا هم مرض آقای رئیس رسید که اگر بنا شود آقای حائری زاده بخواهند سؤالشان را ادامه

بدهند بنده از طرف آقای نخست وزیر جوابی که مقتضی است و تهیه شده بر عرض مجلس خواهم رساند .
اردلان - بسیار خوب .

رئیس - آقای حائری زاده گفته شده و ایشان هم قبول کردند که صحبت کنند شما که آشنا بمقررات هستید مطابق قانون اساسی چه وزیر چه و کبل باید اجازه بگیرند و بیایند یشت تریبون (ص.ج.ت) شما که آشنا بنظامنامه هستید چند دور هم هم کبل بودید باید مقررات را بیشتر رعایت کنید .

اردلان - موفقی هم که کبل بودند بی اجازه صحبت نمیکنند .
۳ - بقیه سؤال آقای حائری زاده از آقای نخست وزیر

رئیس - آقای حائری زاده .
حائری زاده - موضوع سؤال بنده هر چه تأخیر میشود یک مطالب و اسناد اطلاعاتی میرسد که ممکن است طولانی تر بکند سؤال را اگر در اول جلسه اجازه داده بودند تا حالا تمام شده بود ولی حالا که مدتی از ظهر هم ممکن است گذشته باشد و مجلس را نطق های قبل از دستور خسته کرده است عرایض بنده شروع بشود حمل بر برگویی نشود من بر سرهم اگر دقایق وساعاتی که صحبت میکنم ری هم بگذاریم بسریع جلسه هم نخواهد رسید حالا چند جلسه بهمین جور وقت را مشغول کرده ایم یک یادداشتی بمن رسیده بود راجع بحسب تهران که یک اسر شهربانی روز یکشنبه رفته است بآنجا تو همین کرده است وعدهای هم از مجوسین سیاسی اعتبار کرسنگی کرده اند این اطلاعاتی است که حالا بمن رسیده است و بقیه است که دولت توجه میکند (دفعان - کی رفته است ؟) بیک از اسر شهربانی رفته است آنجا بجای رسیدگی باوضاع معیشت آن اشخاصی هم که حبس بوده اند توهین کرده است (امیر تیمور - بلندتر بفرمائید) مجلس آرام باشد پواش پواش هم که من صحبت بکنم حضرت تعالی استماع خواهد فرمود در جلسه سابق مختصری بنده راجع بیک بام و دو هوا بودن این مملکت صحبت کردم مأمورین دولت ما بعضی تقریباً اولاد کزیزند بعضی اولاد بی بی در مسافرتی که بیست سال پیش بعنوان بازرسی من رفتم بخراسان و یک هیئتی بودیم برای بازرسی کلبه ادارات این هیئت اعزام شده بود بنده هم از طرف وزیر داد گستره تریبون و بازرسی مقنن کردم که ادارات درش برای این تفتیش و بازرسی مفتوح بود و مانده و راضی نبود فقط دو دستگه بود که اجازه تحقیق و تفتیش و بازرسی باین هیئتی که مأمور بازرسی بود نمی دادند یکی اداره قشونی بود یکی آن اداره جاسوسی شهربانی که اشخاص را همین جوری می گرفتند حبس میکردند هلش راهم می رسیدند می گفتند جنبه سیاسی دارد من فراموش نمیکنم یک شخصی بود که اگر اسدش را فراموش نکرده باشم درویش هلی میرزای نادری از شاهزاده های نادری بود این آمده بود بشهد از حدود بجنورد آمده بود شکایت میکرد خبال بیکم میگفت مبلغ سی هزار تومان آن رئیس قشون وقت آنجا که جان معتمد خان بوده است از او گرفته بوده است رشوه که چه صلی

را انجام بدهد نمیدانم این يك خانه‌ای داشته يول نداشته و خانه نزدیک همان كوچه دادگستری این را در عرض درمعرض رسمی انتقال داده بود بيكي از اينها و این شاكی بود قضایای بجنورد كدر آنجا شهرت داشت كه صو های همین آقای شادلو ۱۰ با يك جمع دیگری گرفتند و اوالشان را غارت کردند كوسندهایشان را بردند مشهد و فروختند صحبت بود در حدود ۶ میلیون و نیم غارت کردند ما خواستیم رسیدگی كنیم به بیستم اینها راست است دروغ است چیست ؟ گفتند اینها تحت نظر مستقیم شاه است شما حق رس كی ندارید من يك تنگرافی پداورك آن وقت وزیر دادگستری بود كردم البته رمزك هست آن تنگراف جوابی هم كه از داده است هست جریان را كه این است اوضاع ، ایشان هم جواب دادند كه شما دخالت نكنید در كارقشونی اینها يك مملكت مستقلى است تقريباً توى شكم مملكت ایران این مملكت مستقل هنوز هم مثل این كه هست (صدر زاده - انشاءالله) بقره ایش جناب وزیر جنگ در مجلس (قشون خدمتگذار است یا آژان در شهرها یا ژاندار مری در بیابان مشغول خدمت است) من نیز تصدیق دارم ولی ميگویم در فرهنگ باید كه قشون باشد در دادگستری نیز باشد ولی نه بشكلى امروز بلکه باید بودجه مكامات قشون جزء دادگستری شود و بودجه فرهنگى جزء فرهنگ شود نفقات كمكى به ژاندارم و آژان ضمیمه ژاندارمى و شهربانى گردد حقیقه در ایران يك دستگاه حكومت كند تحت رهبرى قوانین نه اینکه بعضى اولاد كز و معدودى اولاد عقى باشند باید قشون مثل سایر تشكیلات مطیع دولت باشد.

يكذکر كه كقیل استانداری بود با من گفت راجع بوضوعى از رئیس قشون توضیح خواستم جواب فحش شنیدم گفته شد شما حق ندارید توضیح بخواهید ما مستقلاً مسئول شاه میباشیم.

من با این ضریق مخالفم و این قشون را قشون ملی نمیدانم این اشخاص را قابل تعقیب و مجازات میدانم.

آن سبب بشكست و آن پیمانہ ریخت باید قشون ملی باشد قشون مال مملكت است . شاه مال مملكت مجلس مال مملكت است باید همه ماها انجام وظیفه نماییم و این مردم را از این بدبختی نجات دهیم ما همه از حاصل دسترنج این مردم حقوق میگیریم باید در مقابل حقوق خدمت كنیم . ما مالك و صاحب اختیار این مردم نیستیم اگر این مملكت پانزده میلیون سهم شود فقط يك سهم من مالك هستم يك سهم شاه يك سهم جمال يك سهم زارع هر يك از ماها بیشتر موفق بخدمت جامعه شویم معترزم و هر بزرتر خواهیم بود (زنگر رئیس)

رئیس - این كدام يك از مواد دهكانه بوده كه سؤال کرده اید سؤالهائی كه کرده اید ده قسمت بوده كدام يكیش است ؟ اینها مربوط بسؤال نمى شود.

حائری زاده - اساس سؤال من سیاست داخلی ایران است و آنها را نمیتوان شاهد عرض كردم و این مقدمه را نباید بران توضیح عرض كنم .

رئیس - آخر باید يكی يكی سؤال كند

تا جواب بدهند سؤال معلوم باشد جواب هم معلوم باشد اینجا دوازده فتره سؤال هست.

حائری زاده - صحیح است . اینها شاهد سؤال من است اساس سؤال من دو سه ماده بیشتر نیست دولت چه کرده و چه نمیکند . اساس سؤال من این است كه دولت با این اوضاع چه كرده است (درین موقع جلسه از اکثریت افتاد و پس از چند لحظه مجدداً اكثریت حاصل شد)

با ذكر این مطالب مجدد عرض میکنم كه من علاقه مند بقشون و مقام سلطنت بوده هستم و پرسش من از مقام جناب نخست وزیر باارادتى كه بایشان دارم فقط دوكله بیشتر نیست و برای سؤال بهتر است اولاً سؤالی كه رسماً فرستاده شده قرائت كنم اگر توضیحاتى لازم داشت در مقدمه عرض كنم .

بدیخانه از بدو مسئولیت این جانان در پیشگاه ملت و قبول عضویت مجلس مقدس شورای ملی حوادثى تا گوار يكی پس از دیگری برای ملت ایران رخ داده كه ممكن است فرد فرد آن حوادث از نظر نيك بینی چندان قابل اهمیت سیاسى نباشد ولی مجموع من حیث المجموع این حوادث بر این جانبان مسلم شده است كه در پشت این یرده تاریخ ابهام آور نقشه های خطرناك و شومی برای این ملت ستمكش طرح ریزی شده و یا میشود . اگر چه بعقیده این جانبان کسانی كه بامید لقمه و نوائى این دام را برای ملت ایران كسترده اند خود در این دام افتاده و دوره قلندرى و غارتگرى بشكلى بیست ساله گذشته تجدید نخواهد شد چون ما علاقمندیم كه اصول عدالت و آزادی در تحت لوای قانون اساسى موجود و بر قرار باشد و مملكت دچار انقلاب خطرناكى كه منجر به تغییر رژیم بشود نگردد لذا از ریاست دولت توقع داریم اقداماتى كه تا بحال شده راجع بوقایع ذیل بعرض مجلس شورای ملی برسانند :

۱ - قضیه قتل مرموز و سیاسى محمد مسعود و اقدامات مسخره آمیزی كه از طرف دستگاه شهربانى و پارك تهران شده است بدیهى است از باب قلم خصوص محمد مسعود دشمنان زیادى دارند و ممكن است قتل محمد مسعود يك قتل عادى باشد ولی عملیات شهربانى و پارك بهدایت ایجاد سوء ظن در جامعه نمودند . اسكه در تهران اگر دوستى محمد مسعود داشت برادران اشكرانى بودند آنها را متهم ساخته و پس از مدتی قشون دلیلى نیافتند و اساختند در صورتیکه دلیلى اتهام را فقط بودن اتومبیل و اسلحه نزد برادران لشكرانى قرار دادند در صورتیکه امثل این اتومبیل و این اسلحه در دربار و قشون بیشتر بود و حملات اخیر محمد مسعود در روزنامه مرد امروز بیشتر متوجه آن مقامات بود و این عملیات شهربانى و پارك بهدایت بیشتر اذهارا مشوب ساخت و حدسیات دیگری زده شد مردم میگویند دو سرباز سبزوارى يكی محمدقلی رحمانى و دیگری پرویز مرشدلو گروهان ۴ كردان يك هنك دژبان كه در عباس آباد روز ۱۶-۱-۲۷ ۱۸-۱-۲۷ كشته شدند برای معو آثار جرم بوده حقیقت را خدا میداند .

خود من دیدم در روز بهداز قتل محمد مسعود كه جماعتى نقش مقول را در مجلس آورده بودند و با سربازها مناظره كرده و خون مجروح بدر مجلس ریخته بود آقای رئیس دژبان برای معو آثار در سرمای زمستان سربازها را مأمور شستن در مجلس ساخته بود .

بیش از این در این موضوع توضیح نمیدم . (درین موقع مجلس از اكثریت افتاد)

۴. موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - آقایانى كه بیرون هستند و نیاید اسامیشان صورت برداشته میشود و در جلسه آینده قرائت خواهد شد چون حالا اكثریت ندارد كه بشود صورتى خواند یا هملى كرد بعقیده بنده بهتر است پانزده دقیقه تنفس داده شود و جلسه بعد صورت آقایانى كه نیامده اند اینجا قرائت میشود . (نیم ساعت بهداز ظهر جلسه بعنوان تنفس ختم و دیگر تشكيل نگردید .)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حكمت

اخبار مجلس

روز چهارشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۲۷ كمیسیون بودجه چهار بعد از ظهر بریاست آقای بهبهانى تشكيل و با حضور آقای وزیر دارائى و عدهاى از آقایان وزراء تبصره های پیشنهادى لایحه ۴ دوازدهم و تبصره های پیشنهادى آقایان نمایندگان در مجلس مطرح تبصره ۱۶ لایحه دولت با اصلاحى تصویب و نسبت بسایر پیشنهادات پس از مذاكراتى قرار شد جلسه بعد با حضور خود آقایان مطرح شود و ضمناً تبصره های مزبور هم دسته بندى شده و آلهائى كه مشابه است دفته مطرح گردد و جلسه بعد بروز يكشنبه بعد از ظهر مو كرز شد روز ۱۸ دیماه ۲۷ ساعت ۵ بعد از ظهر كمیسیون بازرگانى و پیشه و هنر با حضور آقای مهندس نفیسی نماینده دولت و آقای مهندس هدایت نماینده مجلس بریاست آقای زنگر امینى تشكيل و لایحه كار كدر سو كمیسیون تصویب شده بود مطرح در اطراف ماده ۸ آن مذاكراتى شده رأى قطعى جلسه بعد روز چهارشنبه قبل از ظهر مو كول و ساعت شش و نیم جلسه ختم شد



روز يكشنبه ۱۹-۱۰-۲۷ چهار بعد از ظهر كمیسیون بودجه با حضور آقایان وزیر دارائى و وزیر فرهنگ - وزیر راه و معاونین وزیر دارائى و راه بریاست آقای میرسید على بهبهانى در مجلس تشكيل و تبصره های لایحه چهار دوازدهم مطرح گردید تبصره های ۳ و ۵ لایحه با اصلاحى تصویب و تبصره های پیشنهادى آقایان هدایت راجع به مسكن برای كارگران و دكتر عبده و ضیاع ابراهیمی راجع به ترفیع قضات و آقای حاذقى راجع به ترفیع استادى معلمین تصویب و ساعت ۷ بعد از ظهر جلسه ختم شد